

## خویشکاری کهن الگوی آپولو و هستیا (آتش و آتشکده)

تاریخ دریافت مقاله: تیر ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش مقاله: مرداد ۱۴۰۰

سعدالله رحیمی

نویسنده مسئول:

سعدالله رحیمی

### چکیده

آپولو خدای خورشید در یونان باستان، مانند خورشید مقدس و پاک کننده فرض شده است. اهل رویا و خیال نیست. از این رو، طرفداران این روحیه شخصیتی به سبب قدرت معنوی خود افرادی قانونمدار هستند و در هر شرایطی به قوانین احترام می‌گذارند، و برای رهبری و هدایت مناسب هستند. کهن الگوی آپولو، صلاح جامعه برایش مهم بوده و آن را مقدم بر هر چیزی می‌داند. آپولوپی‌ها هدفمند هستند و برای رسیدن به اهدافشان کوشش پیوسته دارند. عاشق کتاب خواندن هستند و به یادگیری اهمیت می‌دهند. آنان دوست دارند در هر کاری به مهارت برسند، حتی، اگر استعداد آن کار را نداشته باشند، با تمرین و پشتکار آن مهارت را کسب می‌کنند. نکته منفی برای یک فرد آپولوپی این است که باید بپذیرد که انسان‌ها با یکدیگر تفاوت دارند و کمتر از دیگران و شرایط اجتماع انتقاد کند. توجه به آنیموس درون می‌تواند به مرد آپولوپی کمک کند تا احساسات خود و دیگران را درک کرده و به آن‌ها احترام بگذارد. هستیا، خدایانوی آتشکده و معابد یکی از سه ایزد بانوی باکره است که مانند آتنا و آرتیمیس قربانی امیال دیگران نشده و مستقل است. آرکی تایپ هستیا موجب می‌شود فرد به مقام، مال، نتیجه کارها و حتی، انسان‌ها وابسته نشود، زیرا، بدون آن‌ها نیز، از درون احساس کامل بودن می‌کند. هستیایی درونگراست و از تنهایی لذت می‌برد. او نیاز به تایید شدن از طرف دیگران ندارد. هیچ چیز او را آشفته و عصبانی نمی‌کند. هستیایی‌ها کم توقع هستند و دیگران را قضاوت نمی‌کنند. نتیجه این که، گاهی تنهایی اجباری ناشی از سوگ یا فقدان به فرد کمک می‌کند تا هستیای درون خود را بیابد. یک هستیایی با یافتن هستیای درون خود که دارای احساسات عمیق هست، می‌تواند از انزوا بیرون آید و محبت خود را برای دیگری، حتی، به طور غیرمستقیم و وابستگی ابراز دارد.

**کلمات کلیدی:** کهن الگو (آرکی تایپ)، آپولو، هستیا، خویشکاری ور.

## مقدمه

آتش است این بانگ نای و نیست باد  
هر کی این آتش ندارد نیست باد

الفت داشتن با آیین ها و روایت های اساطیری که اسطوره ها را، در دل خود در قالب حماسه خلق می کنند و حماسه آفرینان را یاری می کنند تا مشوقی الگوپذیر برای نسل های آینده شوند، از شایستگی های شناخت کهن الگوهای اساطیری هشتگانه شینودا بولن است که برخی در وجود آپولو و نیز، هستیا متبلور می شود. فرهنگ و آداب و رسوم در حالت امانتداری در قاصه ها و داستان های از دوران اساطیر تا کنون زبان به زبان و سینه به سینه در دل نوشته ها حفظ و جاری گشته و یکی از مهمترین عوامل تسکین آلام و لحظه های ناب و خوش زندگی، گوش سپردن به لالایی نهفته در نوا و ندای درون گفتار نیک فرهنگ وارث باستانی است که راه رشد ذهن و زبان روح و روان کودکان را که در حال رشد و کمال است، جلا می بخشد و سادگی را در آیین زندگی جلوه گر می نماید. نیک اندیشی بهره مردمان اخلاقمدار است که از تاریخ، فرهنگ را همراه زمان خود می برند. آپولو که مانند آتش و آشوب و نیز، سکون و آرامش است، بسان هستیا، که معبد و آتشکده را در نهاد نهاد خویش جای دارد، سکون، نوآوری و نقد دیدگاه ها را از لحظه های ناب شنیدن و سرخوش شدن برای بردن افکار به بهترین راه شکل می داده و داده است که اینک در قاب و قالب داستان روانشناسی جان ها را صفا می بخشد و ادامه می دهد. به مصداق؛

میان مسجد و میخانه راهیست  
غریب و عاشق، اندر ره سوارند

یکی آتش زند بر جهل کوتاه  
دگر ره سوی تنها خانه دارد

آنیما و آنیموس به ترتیب منطبق بر نفس و عقل بوده و زوجی الهی به حساب می آیند. یونگ معتقد است اگر آنیما و آنیموس در تضاد قرار نگیرند به وحدت و تمامیتی بسیار با ارزش می رسند که می توان آن را خدا نامید. همان طور در دین اسلام نیز، گفته می شود برای شناخت خدا باید خویشتن را به طور کامل شناخت. آنیما یکی از مولفه های ضروری خودآگاهی ارتباط با عناصر درونی مردانه و زنانه است. به زبان دیگر موجود کامل موجودی نر- ماده است و برای رسیدن به فردیت، باید آنیما و آنیموس

درون انسان  
برمن که صبحی زده ام خرده مگیرید  
در کهن الگوی آپولو و نیز آرکی تایپ هستیا، به جنبه های زیستی در درون افرادی که ویژگی های کهن الگویی در آنان ثبت شده و به قدرت توان ذهنی و فیزیکی خود به حد رشد می رسد، آنان را کمک می کند با جامعه و افراد، سازگاری بیشتری نسبت به دیگر گروه های آرکی تایپی که در روانشناسی یونگ و به ویژه شینودا بولن که دنبال کار استاد خود را در جامعه نشر داده است، دست یابند. آنیما و آنیموس نمادی از وجود عنصرهای زنانه و مردانه می باشند که با به تعادل رساندن آن ها در آدمی، انرژی های مردانه و زنانه، سبب رشد شخصیت آنان می شود. اصل دوجنسی بودن آدمی، یعنی این که هر آدمی هم جنبه زنی دارد و هم جنبه مردی، پیش از آنکه مورد قبول عموم قرار بگیرد به کمک یونگ شناسایی و معرفی شد. کارل گوستاو یونگ، فیلسوف و روانشناس جنبه زنی مرد را آنیما و جنبه مردی زن را آنیموس می نامد.

نیمه زنانه و مردانه درون آدمی را نیمه توانایی به کارگیری ذهن در اجرای امور دانسته اند و به افراد سفارش می کنند که با حقیقت این که دارای دو جوهره وجودی یعنی هم جنبه های مردانه و هم جنبه های زنانه می باشند، آنان را ناراحت و سرخورده نسازد و کوشش کنند خود را با سبک و سوی آفرینش هماهنگ سازند تا بار مشکلات روانی خود را بکاهند و با خیال راحت و آسوده زندگی کنند؛ زیرا، با شناخت خود به شناخت عالم بزرگتری دست می یازند که آفریننده ای دانا و حکیم دارد، که این نظم و هماهنگی را به وجود آورده است. فردی که به دنبال ایجاد نظم و حکومت قانون و برپایی عدالت در جامعه است، گرایش آپولویی درون خود را تقویت کند.

رو نقطه آتشین بگردان  
تا دایره ای روان نماید

آن دایره، بیش نقطه ای نیست  
لیکن به نظر چنین نماید

آنچه به دید آید و نیاید، نقطه اش جنس و دایره اش بی گرانگی زمان است که رهروی را می جوید که قصد رسیدن به مقصد را دارد و لحظه ای تردید نمی کند. آری، اینجا حدت در وحدت است. در آرکی تایپ های معرفی شده به وسیله یونگ، گفته می شود، اگر فردی که دارای ویژگی ها و خصوصیات روحی و روانی تیپ شخصیتی روان آرکی تایپ آپولویی هست، از آنیما و آنیموس وجود خود به طور کامل استفاده کند به خوشبختی می رسد.

سلسله موی دوست، حلقه دام بلاست  
هر که در این حلقه نیست، فارغ از این ماجراست

هستیا در منشی که از آرکی تایپ خود برجا می گذارد، با خودش در یگانگی قرار دارد و بیش از دیگر الهه ها، گمنام مانده است، در واقع هرگاه حضور پیدا کند، رنگ معنویت به زندگی می دهد. کهن الگوی هستیا، آرامش را در خلوت خویش دارد، و

همین عامل باعث می‌شود فرد بتواند ارزش‌های درونی خود را به خوبی تشخیص داده و با آن‌ها ارتباط برقرار کند. از این رو، کسی که دارای روحیه زن‌هستیایی است، فردی است که به طور آگاهانه مسائل و اتفاقات زندگی را می‌پذیرد و آن را حکمت خدا و به صلاح خود می‌داند.

هر دست که دادی، به همان دست بگیری

بشنو ز بر پیر خرابات، تو این پند

### خویشکاری آپولو، هستیا

جوشش عشق است کاندر می فتاد

آتش عشق است کاندر نی فتاد

پرده هایش پرده های ما درید

نی حریف هر که از یاری برید

کهن الگوی آپولو یک کهن الگوی مردانه برگرفته از آپولو خورشید یونان باستان است. افراد آپولویی افرادی موفق و جذاب هستند که عقل و منطق را بر احساسات ترجیح می‌دهند. آپولو خورشید است.

او پسر محبوب زئوس، تیرانداز، موسیقیدان، قانون‌گذار، پیشگو، زیبا، جوان و اهل هنر بوده که علاقه یونانیان به امور عینی و قابل‌سنجش و دوری از تخیلات و عرفان را نشان می‌دهد. او خلافکاران را مجازات کرده و از داروسازان و چوپان‌ها حمایت می‌کند. ویژگی‌های شخصیتی آپولو و هوس و اراده‌اش باعث موفقیت او در همه امور به جز عشق می‌شود. او که مانند خورشید مقدس و پاک‌کننده است، یک جنبه تاریک و پنهان هم دارد که در مجازات‌های بی‌رحمانه‌اش خود را نشان می‌داد. آپولو که دومین خدای مهم یونانیان باستان است، دو اصل اخلاقی دارد: خودت را بشناس و در هیچ چیزی زیاده روی نکن. کهن الگوی آپولو آن جنبه از شخصیت یک مرد را نشان می‌دهد که به دنبال نظم و قانون است. می‌خواهد در فنون مختلف به مهارت برسد. فکر را بر احساس، عینیت را به شهود و سطح را به عمق ترجیح می‌دهد. ذهن آپولویی یک ذهن برنامه‌ریزی شده است که به سادگی با دنیای عینی ارتباط برقرار می‌کند. او یک هدف‌گیر فوق‌العاده است؛ می‌داند چه می‌خواهد و از چه طریقی باید آن را به دست بیاورد. هدف‌های او واقعی هستند و اهل رویابافی و خیالپردازی نیست. مردان جوانی که به دنبال موفقیت هستند و هنوز فرصت‌های از دست رفته، آنها را آزرده نکرده، آپولو را به خوبی نشان می‌دهند. آنها معمولاً در هر کاری مثل درس، هنر، ورزش و مهارت‌آموزی در گروه‌های برتر هستند. پسر ایده‌آلی که به دنبال تحقق آرزوهای پدر است و از احساسات خود و دیگران فاصله می‌گیرد یک پسر آپولویی است. او یک موسیقیدان و در عین حال حافظ قانون است که نشان می‌دهد ذهن او چقدر نظم طلب است. فردی که به دنبال ایجاد نظم و حکومت قانون و برپایی عدالت در جامعه است، گرایش آپولویی درون خود را دنبال می‌کند. کهن الگوی آپولو می‌تواند از واکنش‌های احساسی فاصله گرفته و از مشکلات زندگی‌اش برای آینده درس بگیرد. او با اینکه ظاهری مردانه و قوی دارد، اما نمی‌خواهد مانند قهرمان‌ها رفتار کند. محتاط و محافظه‌کار است و ترجیح می‌دهد بیشتر تماشاگر باشد تا یک قهرمان. او جوان، جذاب، سالم، زیبا و هنرمند است. زندگی در این دنیا برای مردی که تحت‌تاثیر انرژی کهن الگوی آپولو است، چندان سخت نیست. ویژگی‌های او به آسانی باعث موفقیتش شده و تایید و توجه دیگران را به دنبال دارد. مشکلات او بیشتر به روابط و زندگی درونی‌اش مربوط می‌شود. او محتاط است و نمی‌خواهد رئیس باشد، ولی، می‌تواند به خوبی نقش فرد جانشین را بازی کند. آپولویی‌ها، افراد مبادی‌آداب، منظم و مقرراتی هستند. و دوست دارند با زنان و مردان با استعداد رقابت کنند. با مسائلی که منطقی و به طور عینی قابل‌فهم باشد، راحتند و از مسائل مبهم و رازآلود دوری می‌کنند. قانون‌مدار هستند و در هر شرایطی به قوانین احترام می‌گذارند. همیشه ظاهری تمیز دارند و لباس‌های رسمی می‌پوشند. فرد آپولویی، می‌داند چه می‌خواهد و برای خود اهداف روشن ترسیم می‌کند. اینها سخت‌کوش و با اراده هستند و با برنامه‌ریزی و پشتکار به اهداف خود می‌رسند. آنان دوست دارند در هر کاری به مهارت برسند، حتی اگر استعداد آن کار را نداشته باشند با تمرین و پشتکار آن مهارت را کسب می‌کنند. آنان هم کلیات را در نظر می‌گیرند و هم به جزئیات توجه می‌کنند. اهل قهرمان‌بازی نبوده و بسیار محتاط و محافظه‌کار هستند. هدفمند هستند و برای رسیدن به اهدافشان تلاش می‌کنند. عاشق کتاب خواندن هستند و به یادگیری اهمیت می‌دهند.

گل آدم بسرشتند و به پیمان زبند

دوش دیدم که ملائک در میخانه زبند

قرعه کار به نام من دیوانه زبند

آسمان بار امانت نتوانست کشید

آپولویی‌ها، عادل هستند و به همه احترام می‌گذارند، اما درد و رنج دیگران را به خوبی درک نمی‌کنند و با خانواده خود صمیمی نیستند. اصلاح‌طلبانی دور از خشونت هستند و در این راه سختی زیادی می‌کشند. صلاح‌جامعه‌برایشان مهم بوده و آن را مقدم بر هر چیزی می‌دانند. در فرجام کهن الگوی آپولو یک مرد موفق را نوید می‌دهد که در کار و حرفه‌اش پیشرو است. در واقع نیمه اول زندگی که شامل موفقیت‌های درسی و شغلی است برای یک آپولویی به سادگی و با موفقیت می‌گذرد. او

می‌تواند در کارش روابطی داشته باشد که هم رفاقت در آن باشد و هم رقابت. آن‌ها در محیط کار مورد احترام هستند، دستور نمی‌دهند و از نظم و قانون پیروی می‌کنند. اهل حسادت و چاپلوسی نیستند و زد و بندهای اداری ناامیدشان می‌کند. همیشه دست راست مدیر خود بوده و فردی قابل اعتماد و قابل اتکا در یک شرکت به حساب می‌آیند. آنان در مشاغلی که استراتژیک باشد، موفقند. همچنین پزشکی و وکالت از شغل‌های مناسب آپولوپی به حساب می‌آید. آنان پزشکان ماهر و حاذقی هستند. از آنجا که معمولاً درآمد خوبی دارند، در دوران پیری کمتر دچار مشکلات اقتصادی می‌شوند و اغلب یک کار یا برنامه مشخصی برای دوران بازنشستگی خود ترتیب می‌دهند. زنان آپولوها به سادگی با مردان دیگر ارتباط برقرار می‌کنند، اما زیاد با کسی صمیمی نمی‌شوند. بیشتر تمایل دارند با مردان مسن و مقتدر یا با استادان و معلمان و مربیان خود در ارتباط باشند. دوستانی وفادار هستند و تنهایی را دوست ندارند. زنان به آن‌ها احترام می‌گذارند. در ارتباط با زنان بیشتر جذب زن‌های مستقل و با لیاقت می‌شوند و به زنان ضعیف فقط کمک می‌کنند. مردان آپولوپی از آنجا که عاشق پیشه نیستند، معشوق‌های خوبی به حساب نیامده و در نظر زنان اطرافشان بیشتر یک برادر خوب هستند، تا زمانی که یک زن واقعا عاشق او بشود و او را وارد روابط طولانی عاطفی کند. کهن الگوی آپولو یک ازدواج منطقی را می‌پسندد. او بیشتر از اینکه به دنبال عشق باشد به دنبال فردی مناسب و هماهنگ با خودش است. با این حال یک گزینه مناسب برای ازدواج به حساب می‌آید. ازدواج آن‌ها با زنی احساساتی چندان موفقیت‌آمیز نخواهد بود، اما یک همسر منطقی مثلاً زن آتنایی می‌تواند جفت خوبی برای آپولو باشد. در واقع او در ازدواجی موفق است که احساس و هیجان زیادی وجود نداشته باشد. او ارزش زیادی برای جنبه عاطفی زندگی قائل نیست و به امنیت و ثبات رابطه بیش از عمق آن اهمیت می‌دهد. به همسرش مانند یک همکار نگاه کرده و موفقیت‌های اجتماعی همسرش او را خوشحال می‌کند. چندان از زنانی که مدام در آشپزخانه بوده یا بیش از حد به ظواهر اهمیت می‌دهند خوشش نمی‌آید. آپولوها پدرانی معمولی یا خوب هستند که فرزندان‌شان را زیاد نصیحت می‌کنند. با اینکه برای فرزندان‌شان استانداردهای منصفانه قائل می‌شوند، اما نمی‌توانند رابطه عاطفی نزدیکی با آنان برقرار کنند. برای پرورش کهن الگوی آپولو فرد باید یاد بگیرد که چگونه زمان، پول و کارهای خود را مدیریت کند. فرهنگ پدرسالار کهن الگوی آپولو را تقویت کرده و اصولاً پسرها به گونه‌ای بار می‌آیند که به دنبال روابط علت و معلولی بوده و ارزش‌های مورد نظر والدین مخصوصاً پدر خود را دنبال کنند. برنامه ریزی، دخالت نکردن در زندگی دیگران، مشخص بودن خواسته‌ها و نیازها و هدفمندی نقاط قوت یک آپولوپی است. فرد آپولوپی برای تقویت درون خود باید به قوانین احترام بگذارد، حتی در مواقعی که مانعی برای زیر پا گذاشتن آن‌ها وجود ندارد. سلسله مراتب را رعایت کند و برای همه احترام قائل باشد. تمرین کند که فرد منظمی باشی و همه کارهایش را با نظم و برنامه ریزی انجام بدهد، حتی کارهای روزانه و کم اهمیت. بیشتر رسمی لباس بپوشد، ولی برای موقعیت‌های خاص لباس مخصوص آن موقعیت را به تن کند. سعی کند یک کار را از ابتدا تا به انتها و درست انجام بدهد، مثلاً برای خواندن یک کتاب از مقدمه شروع کند و تا انتها پیش برود؛ به ذهنش تمرین بدهد که منظم باشد. موقعیت‌ها و شرایط زمانی و مکانی را برای همه چیز رعایت کند و مطابق با محدودیت‌ها و قواعد موجود رفتار نماید.

کهن الگوی آپولو نقاط ضعفی دارد، که برای رشد شخصیت خود آن‌ها را باید برطرف کند. همچون باید و نباید کردن زیاد، انتقاد از مسائل اجتماعی، بها ندادن به کودک درون و بی توجهی به احساسات. مواردی وجود دارد که اگر طرفدار آرکی تایپ آپولوپی رعایت کند و به رفع این کاستی‌ها بپردازد به رشد شخصیت کهن الگوی آپولو در خود کمک می‌کند و آن را به تعدیل می‌رساند. از آنجا که آپولو بسیار واقع بین و منطقی است، بایستی با احساساتش آشتی کند و خیال پردازی‌های درونی خود را پرورش بدهد. آپولو خدای موسیقی است، بنابراین بهترین راه رسیدن به این شرایط برای یک آپولوپی پرداختن به موسیقی است. متواضعانه‌تر رفتار کند و تمرین کند شرایط دیگران را درک کنید. کار را از تفریح جدا کند و به هیجان‌ات، خوش‌گذرانی و موسیقی بیشتر بپردازد. کمتر از دیگران و شرایط اجتماع انتقاد کند. بپذیرد که انسان‌ها با یکدیگر تفاوت دارند. عاشق شود و شور عشق را در خود پرورش دهد تا طرفداران و مایلانی بیشتر به خود جذب کند. عشق می‌تواند نجات‌دهنده یک آپولوپی باشد. عاشق شدن او را از دنیای منطقی و پیروی بی چون و چرا از عقل بیرون کشیده و متوجه می‌شود. انسان می‌تواند فارغ از قواعد و بایدها و نبایدها نیز زندگی کند. مردان آپولوپی باور دارند که باید روی زنان تسلط داشت. این باور انرژی‌های زنان درون آن‌ها را از بین می‌برد. پرورش آنیما یا بخش زنانه هر فرد که به روابط و احساسات مربوط می‌شود، می‌تواند به مرد آپولوپی کمک کند تا احساسات خود و دیگران را درک کرده و به آن‌ها احترام بگذارد.

بعدها از این دست من و دامن سرو و لب جوی

خاصه اکنون که صبا مژده فروردین داد

هستیا، خدایانوی آتشکده و معابد یکی از سه ایزد بانوی باکره است که مانند آتنا و آرتمیس قربانی امیال دیگران نشد. او با خویش در یگانگی قرار دارد و بیش از دیگر الهه‌ها نامرئی است. با این حال حضورش در مکان‌های مختلف و به ویژه، مکان‌های مقدس قابل درک و قابل احترام بود و به باور یونانیان هیچ خانه و معبدی بدون حضور او تقدس پیدا نمی‌کرد. در واقع

حضور هستیا رنگ معنویت به زندگی می‌دهد و ادامه حیات را ممکن می‌سازد. این روحانیت و معنویت حضور هستیا می‌تواند خود را در زندگی یک زن نشان دهد و همین جاست که آرکی تایپ هستیا کهن الگوی شخصیتی زنان می‌شود. کهن الگوی هستیا، آرامش را در خلوت خویش می‌یابد. حضور این کهن الگو باعث می‌شود فرد بتواند ارزش‌های درونی خود را به خوبی تشخیص داده و با آن‌ها ارتباط برقرار کند. آرکی تایپ هستیا موجب می‌شود فرد به مقام، مال، نتایج کارها و حتی انسان‌ها وابسته نشود، زیرا، بدون آن‌ها نیز از درون احساس کامل بودن می‌کند. تی اس الیوت می‌گوید: او را از امیال روزمره، آسوده از کردار و رنج‌ها، آزاد از ضرورت‌های بیرونی و درونی، اما محصور شده در حسی از متانت، چون نوری متحرک و ساکن است». هستیا نشان دهنده مرکزیت درون است که زن را قادر می‌سازد، بر خلاف آشفتگی‌ها و هیجانات جهان بیرون، استوار و آرام باشد و با کل هستی احساس یگانگی کند. هستیا می‌تواند الهام بخش سرودن شعر باشد.

گرچه گرد آلود فقرم، شرم باد از همتم  
گر به آب چشمه خورشید، دامن تر کنم

هستیا نخستین فرزند رثا و کرونوس بود. او دارای وجه یگانگی با خویشتن بود. از آنجا که هستیا در هیچ کدام از ماجراهای عاشقانه و رمزی اسطوره‌های یونان نقش فعال نداشته است، وجودش به گونه‌ای در انزوا مانده است. وجود او در آتشکده‌ها و معابد و شهرها احساس می‌شده و همیشه قابل احترام بوده است. مردم او آورنده گرما و حرارت زندگی تلقی می‌کردند.

بر همین نگرش بسیاری از آداب نیایشی که در آتش متجلی است، نماد دعوت به حضور و وجود هستیا دارد. برای یک زن هستیایی انجام امور خانه، به خودی خود پرمعنا و رضایت بخش است. هستیا، بیان مرکزیت معنوی و درونی است. منبعی درونی که برخلاف اعتشاشات بیرونی و آشفتگی و یا حتی هیجانات عادی روزمره به زن حس استواری می‌بخشد. زنی که تحت تاثیر انرژی الهه معابد و آتشکده است، ویژگی‌های شخصیتی خاصی دارد که او را ملکه برای دیگری می‌سازد. ویژگی اصلی زنی که تحت تاثیر انرژی هستیاست، آرامش و حجب است. حضور او در یک مکان باعث صمیمیت و هماهنگی می‌شود. زن هستیایی، درونگراست و از تنهایی لذت می‌برد. او نیاز به تأیید شدن از طرف دیگران ندارد. هیچ چیز زنان هستیایی را آشفته و عصبانی نمی‌کند. کم توقع هستند و دیگران را قضاوت نمی‌کنند. راز دار و شنونده خوبی هستند و احساسات و محبت خود را به شیوه خودشان نشان می‌دهند. او در ظاهر فردی مطیع است، اما از درون می‌داند که با دیگران متفاوت است. او صبور است و گذر زمان برایش مهم نیست و در کاری که انجام می‌دهد غرق شده و از آن لذت می‌برد. زن هستیایی بسیار پذیراست و به طور آگاهانه مسائل و اتفاقات زندگی را می‌پذیرد و آن را حکمت خدا و به صلاح خود می‌داند. محیط خانه را نیز، مثل یک مکان عبادت، مقدس و روحانی می‌داند. برای یک زن هستیایی انجام کارهای خانه نیز، می‌تواند با معنا باشد و به او حس رضایت بدهد. او به این طریق به یک آرامش و صلح درونی می‌رسد. به طبیعت علاقه مند است و به پرورش گل و گیاه بسیار علاقه دارد. به محیط‌های مذهبی و روحانی علاقه دارد و بدون اینکه برای دیگران مزاحمت ایجاد کند به عبادت می‌پردازد. خلق و خوی اش آرام است و با خود احساس آرامش و امنیت می‌آورد. شخصیت یک زن هستیایی معتدل، مهربان، شریف و سخاوتمند است. ساده و بی‌آلایش است و اهل غیبت و حسادت نیست. به خاطر حس کمال درونی خود به دنبال ارتباط عاطفی نبوده و به راحتی در تنهایی زندگی می‌کند. زنان هستیایی گاهی در تمام عمر تنها هستند و در صورت ضرورت و بدون توقع در نقش خاله یا عمه مجرد به خانواده کمک می‌کند. در زن هستیایی حالتی از متانت و دانایی وجود دارد که او را مانند پیری دانا و با تجربه نشان می‌دهد. زندگی متأثر از کهن الگوی هستیا نوعی گمنامی به همراه دارد. زن هستیایی توانایی زیادی برای اظهار وجود کردن ندارد و حتی زمانی که احساساتش جریحه دار می‌شود نیز، سکوت می‌کند. این زنان جاه طلب و اهل رقابت نیستند. زن هستیا تایپ در مواقع بحرانی می‌تواند به زن آتناپی و یک طراح ایده آل تبدیل شود و برای پیشگیری از اتفاقات احتمالی راهبردهایی ارائه کند. شرایط امن نیز، به او کمک می‌کند تا به یک آفرودیت یا دیمیترا تبدیل شده و جذاب و دلربا باشد. حضور زن هستیایی در اجتماع و دنیای مادی می‌تواند برایش مشکلاتی ایجاد کند. او برای حضور در اجتماع و رو در رو شدن با مشکلات مادی باید نقاب شخصیتی برای خود انتخاب کند و توانایی ابراز وجود را در خود ارتقا دهد. او می‌تواند با موفقیت تحصیلی، شرکت در ورزش‌های گروهی و اجتماعات زنانه و کانون‌های تجمع زنان روحیه خود را بیش از آنچه در آن مقام دارد، پرورش دهد، یعنی بخش آرتیمیس و آتنا را در خود تقویت کند. به طور کلی هیچ چیز برای کهن الگوی هستیا مهم نیست و او تنها در عالم معنوی خود سیر می‌کند. خصلت درونگرایی او معمولاً به ترس یا خجالتی بودن تعبیر می‌شود. با این حال شخصیت درونی بسیار جذابی دارد که از آن دانایی و آرامش متصاعد می‌شود و همین دیگران را به سمت او جذب می‌کند. در دوران نوجوانی یک فرد هستیایی به نوعی تکروی می‌کند. او خود را بی‌نیاز از دیگران می‌داند و خود را از التهابات عاطفی این دوران دور نگه می‌دارد. دوران بلوغ بیشتر او را به سمت مسائل روحانی و مذهبی می‌کشاند. صرف وجود کهن الگوی هستیا فرد را به ادامه تحصیل ترغیب نمی‌کند. میل به پیشرفت، کسب تخصص، یافتن کار یا یافتن شوهر هیچ یک از نیازهای هستیا نیستند.

وجود اجبار دیگران یا کهن الگوهای دیگر در فرد می‌تواند زن هستیایی را وارد دانشگاه کند. زن هستیایی زمانی که به میانسانی می‌رسد تقریباً مسیرش مشخص است. او اکنون نیز با خود در صلح است. اگر متاهل باشد خانه‌داری و مراقبت از خانواده برایش نقش مطلوبی است. اگر مجرد باشد از مجرد بودن خود راضی است و از تنهایی اش لذت می‌برد. اگر شاغل باشد وظایف خود را به خوبی انجام می‌دهد. با گذار از میانسانی جنبه مذهبی هستیا خود را بیشتر نشان داده و بیش از پیش و شاید قدری غیر منتظره برای اطرافیان، مشغول به عبادت می‌شود. در دوران پیری رفتن و مستقل شدن فرزندان یا از دست دادن همسر چندان برایش بحران آفرین نیست. مشکل او تنها دنیای مادی است، به ویژه، اگر از نظر مادی در تنگنا باشد. گاه مجبور می‌شود با درآمدی محدود امرار معاش کند با این حال معنویت غنی او باعث می‌شود، افسوس نخورد و در سال‌های پایانی زندگی هراسی از مرگ نداشته باشد. زن متأثر از کهن الگوی هستیا حضور دیگران در زندگی خودش را اتفاقی نمی‌داند. چند دوست مونث دارد که از ارتباط با آنها لذت می‌برد و اغلب با حس همدلی می‌تواند پناهگاهی امن برای هیجانات و مشکلات عاطفی دوستش باشد. زن هستیاتیپ مردانی را جذب می‌کند که به دنبال زنانی آرام و پذیرا هستند. مردانی که به دنبال زن شهوت طلب هستند یا همسری می‌خواهند که برایشان مادری کرده یا همسری سنتی باشد، جذب زن هستیایی نمی‌شوند. زن هستیایی برای رضایت عاطفی محتاج یک مرد نیست، بنابراین مانند زن هراسی، ازدواج برایش در اولویت قرار ندارد. اگر ازدواج کند آن را به عنوان بخشی از زندگی می‌پذیرد. بیشتر پس از ازدواج زنی کدبانوست که به محیط خانه گرمی و آرامش می‌بخشد. مسائل جنسی نیز، برایش در اولویت نیست، اما از آن لذت می‌برد. زن هستیایی جاه طلب نیست و به رقابت با شوهرش یا عیب‌جویی از او نمی‌پردازد. به همسرش خیانت نمی‌کند، اما خیانت همسرش چندان برایش اهمیتی ندارد. مرد ایده آل برای زن هستیایی مرد همرسی است. مردان همسر شوخ طبع و پر انرژی هستند و همین خصوصیت زن هستیایی را سرحال می‌کند. زن هستیایی با نبود شوهر مدام به او فکر نمی‌کند و نگران کارها و ارتباطات او نیست. ترجیح می‌دهد محیط خانه را مطبوع و آرام نگه دارد. اغلب زحمات او نادیده گرفته می‌شود. با اینکه در اکثر امور هسته و عامل اصلی شکل‌گیری و پیشبرد کار است. زن هستیایی اگر مقداری انرژی کهن الگوی دیمتر را نیز، داشته باشد یک مادر فوق العاده خواهد بود. مگر زمان هایی که به شدت به درون خود گرایش پیدا کرده و از فرزندان خود دور می‌شود. زن هستیایی خانه‌ای آرام و امن برای فرزندانش مهیا می‌کند و در عین حال آنها را در انتخاب هایشان آزاد می‌گذارد. آرزوهای جاه طلبانه برای فرزندان ندارد و نمی‌تواند آنها را برای انتخاب راه هایی که به پیشرفت مالی و حرفه ای منجر می‌شود، راهنمایی کند.

جز شاد و امیدوار و خرم نروم

غمناکم و از کوی تو با غم نروم

نومید کسی نرفت و من هم نروم

از درگه همچون تو کریمی، هرگز

کهن الگوی هستیا جنبه منفی ندارد اما، بروز آن به شکل افراطی می‌تواند مشکلاتی ایجاد کند. زندگی هستیا با گمنامی همراه است و با وجود اینکه اغلب نقش هایی اصلی و محوری دارد، اما از زحماتش قدردانی نمی‌شود و نیازها و احساساتش اغلب نادیده گرفته می‌شود. او توانایی ابراز وجود ندارد و بعد از جریحه دار شدن احساساتش نیز، سکوت می‌کند. هستیای افراطی و انزواطلب توانایی ابراز احساسات خود را نیز از دست می‌دهد و محبت خود را به شکل غیرمستقیم نشان می‌دهد. احساسات او بسیار عمیق است، ولی عاشق او نمی‌تواند از عمق علاقه او به خودش مطمئن شود.

عشق او غیر شخصی به نظر می‌آید، چون از طریق کلمات و تماس فیزیکی ابراز نمی‌شود. شخصیت او از طرف افرادی که انسان‌ها را بر مبنای مادیات و موقعیت های اجتماعی ارزش گذاری می‌کنند نادیده گرفته می‌شود. برای این که هستیا به رشد و کمال کامل برسد سفارش کرده اند، بیشتر خودش را نشان دهد و ابراز وجود کند. همچنین لازم است که شور و هیجان بیشتری وارد زندگی اش کند. زنانی که هستیایی نیستند می‌توانند هستیا را در درون خود بازیابی کنند. به ویژه، زنانی که خیلی بیرونگرا و فعال هستند، لازم است زمانی را به خود اختصاص دهند و توجه خود را به درونشان متمرکز کنند. می‌توان با انجام کارهای ساده و قابل اجرایی ویژگی‌های هستیای خود را بیدار کنند. کارهای خانه را با آداب و آرامش انجام دهند. تمرکز در کار به آنان لذت می‌بخشد. برای هر کاری وقت کافی در نظر بگیرند و نگران گذر زمان نباشند، زیرا گذر زمان برای همه یکسان است و این درست درس هوشمندانه ای است که هر فرد می‌تواند از طبیعت بیاموزد و آن تعادل و توازن در زمان برای همه است. زن هستیایی می‌تواند حتی، کارهای خانه را به شکلی انجام دهد که گویی زمان پایانی ندارد و از نظمی که در خانه ایجاد می‌شود، لذت ببرد. برای به شادی و شغف رساندن روحیه و درون خود نیاز است، زنان هستیایی در مورد کاری که می‌خواهند انجام دهند خودشان تصمیم بگیرند و کار به شیوه ای که خود دوست دارند انجام دهند، نه برای رفع نیاز دیگران یا به خواسته و دستور کسی. خوب است وقتی کاری انجام می‌شود همه حواس خود را روی انجام آن کار گذاشت و زمان و مکان را فراموش کرد. زنان و مردان هوشمند، هر کار را برای کمال آن کار و لذت درون خود انجام می‌دهند. زن هستیایی و نیز،

همه شخصیت های کهن الگویی زمانی از شبانه روز خود را به نیایش و پرداختن به معنویت اختصاص دهند. گاهی شمع روشن کنید تا به آتش هستی نزدیک شوید. اتفاقاتی که برایتان رخ می دهد را بپذیرید و ظرفیت خود را برای پذیرش هستی و کائنات بالا ببرید. در فرجام این نکته هم یاد شود که گاهی تنهایی اجباری ناشی از سوگ یا فقدان به شخصیت های آرکی تایپ کمک کرده است تا هستیای درون خود را بیابند.

الا ای دولتی طالع که قدر وقت می دانی  
گوارا بادت این عشرت که داری روزگاری خوش

## نتیجه گیری

خرد بهتر از هرچه ایزد بداد  
خرد رهنمای و خرد دلگشای

ستایش خرد را به از راه داد  
خرد دست گیرد به هر دو سرای

برای بودن و خوب بودن و خوب زیستن، برنامه و هدف مهم است. در تیپ شخصیتی آپولو، مردان منطقی، قانونمند و اهل برنامه ریزی هستند. این مردان اهل تعامل و گفتگو هستند و از بحث و جدال های بیهوده پرهیز می کنند. وقت شناسی، علاقه به مطالعه و یادگیری و توجه فراوان به اصول و قوانین اجتماعی از ویژگی های این مردان است. آن ها از مردان و زنان بی برنامه و بی نظم خوششان نمی آید و بیشتر جذب کسانی می شوند که به دنبال پیشرفت، موفقیت و هم چنین برنامه ریزی هستند. زنانی آرام و معنوی که اهمیتی به گفت و شنودهای زنانه نمی دهند و در کمال آرامش به وظایف خود می پردازند. این زنان بیشتر در خانه هستند و تمایل چندانی برای کار یا حضور در بیرون از منزل ندارند. گلایه چندانی از زندگی ندارند و سختی ها و ناکامی های زندگی را به عنوان سرنوشت می پذیرند. این افراد توکل عمیقی به خداوند دارند و در سکوت و آرامش عبادت می کنند. هنر آپولونی، نخستین بار در سده نوزدهم توسط فیلسوف آلمانی فریدریش نیچه در زایش تراژدی از آن یاد شده است.

نیچه این اصطلاحات را در زیباشناسی وارد کرد. وی در طبقه بندی منحصر به فرد خود از اقسام هنری از اسطوره های یونان باستان وام می گیرد. آپولون فرزند زئوس، خدای المپ هست. نیچه در زایش تراژدی از آپولون برای ترسیم و ارائه نمادین مفاهیمی چون هماهنگی، توازن، نظم، قانون گرایی، صورت کامل، وضوح، روشنی، تفرد و یگانگی استفاده می کند. وی در کتاب زایش تراژدی، می گوید: توسعه هنر نتیجه تقابل دو عنصر متضاد آپولونی و دیونوسوسی در زندگی خلاق بشر است. در هنر آپولونی مسایلی از قبیل اطمینان، ساختار و عقلانیت حاکم است و هنرمند تابع نیروهای آپولونی زمانی احساس آزادی می کند که تأمین باشد. در هنر آپولونی همه چیز چه خیر و چه شر تقدیس می شود. هنر آپولونی بر وجود امر دهشتناک صحنه می گذارد اما، در استحال به لذات است که آن را زیبا نمایان می کند و تلویحاً آنچه ارائه می کند، دروغ است. در تبیین نیچه، یونانیان مسلماً می دانستند که آپولونیسم تمام حقیقت جهان را بیان نمی کند. آنها به خود دروغ می گفتند. کهن الگوی آپولو به وجود نظم و سیستم در جامعه کمک می کند و اگر آپولو نباشد روابط جای ضوابط را گرفته و قوانین اهمیت خود را از دست می دهند؛ بنابراین این کهن الگو می تواند به رشد جامعه با برنامه ریزی و آینده نگری کمک کند. در زمینه پایداری با کهن الگوهایی زنانه آفرودیت و هرا، نیز شباهت هایی دارد. از طرفی، کهن الگوی هستیا به بخشی از شخصیت زن اشاره دارد که اهل خرد و معنویت است و نیازی به تایید دیگران ندارد. او توجه و تمرکزش به درون خود است. این تقدیر زن هستیایی است که با وجود مرکزیت در هر کار گمنام باقی بماند، و اگر این گونه باشد باز ارزش آن را دارد که زن هستیایی کهن الگوی هستیا را در خود پرورش دهد و در کنار آن مهارت ابراز وجود کردن را نیز، در خود تقویت کند. بازیابی و تقویت کهن الگوی هستیا به سلامت روان کمک می کند، زیرا، این آرکی تایپ انسان را بی نیاز از تایید دیگران کرده و با پذیرش اتفاقات و یکی شدن با هستی به صلح و آرامش درونی می رساند.

## منابع و مراجع

- ۱- بولن، جین شینودا، ۱۳۹۶، نمادهای اسطوره ای و روانشناسی مردان، مینو پرنیانی، انتشارات آشیان.
- ۲- بولن، جین شینودا، ۱۳۹۶، نمادهای اسطوره ای و روانشناسی زنان، مینو پرنیانی، انتشارات آشیان.
- ۳- بولن، شینودا، ۱۳۹۸، خرد خاص و جذاب بودن برای زنان در نیمه دوم عمر، مترجم حمید رطبی، ناشر بنیاد فرهنگ زندگی.
- ۴- یونگ، کارل گوستاو، ۱۳۹۸، ناخودآگاه جمعی و کهن الگو، فرناز گنجی و محمد باقر اسمعیل پور، تهران: نشر جامی.